



١٠٤١٩٥



دانشگاه بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان شناسی همگانی

عنوان:

بررسی فرایندهای ساختواژی و اصطلاح شناسی
در ساخت اصطلاحات تخصصی علم شیمی

استاد راهنما:

دکتر بهروز محمودی بختیاری

استاد مشاور:

دکتر پاکزاد یوسفیان

تحقیق و نگارش:

بهار پورشاهیان

سال تحصیلی ۸۶-۸۷

۱۰۴۸۹۰

کتابخانه اطلاعات و کتابخانه
دانشگاه بلوچستان

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۱۱۵

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان بررسی فرایندهای ساختواژی و اصطلاح شناسی در ساخت اصطلاحات تخصصی علم شیمی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی توسط دانشجو بهار پورشاهیان تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر بهروز محمودی بختیاری تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه

عالی (۱۹) به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما:

دکتر بهروز محمودی بختیاری

استاد راهنما:

استاد مشاور:

دکتر پاکزاد یوسفیان

داور ۱:

دکتر علی اصغر رستمی

ابوسعیدی

داور ۲:

دکتر مسعود شریفی فر

نماینده کسبه تسلیمی

دکتر عباس سرافوزی
۱۱/۵/۱۳۹۰



دانشگاه ایستادن و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب بهار پورشاهیان تأیید می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: بهار پورشاهیان

امضاء

فهرست

صفحه	عنوان
ح	سپاسگزاری
ط	چکیده
ی	پیشگفتار
۱	۱ درآمدی بر پژوهش
۲	۱-۱ بیان مسئله (فرضیه های تحقیق)
۲	۲-۱ لزوم انجام پژوهش
۳	۳-۱ روش تحقیق
۳	۴-۱ مراحل تحقیق
۴	۵-۱ پیشینه تحقیق
۵	۲ واژه سازی و اصطلاح شناسی
۶	۱-۲ مقدمه
۷	۲-۲ واژه سازی
۷	۱-۲-۲ ضرورت واژه گزینی
۸	۲-۲-۲ واژه سازی و واژه گزینی
۱۲	۳-۲-۲ اصول و ضوابط واژه گزینی (به اختصار)
۱۵	۴-۲-۲ انواع واژه سازی و لزوم آن برای متون علمی
۲۱	۵-۲-۲ نقش واژه سازی
۲۲	۶-۲-۲ شرایط لازم برای واژه سازی
۲۳	۷-۲-۲ ویژگیهای ساختوازی
۲۳	۱-۷-۲-۲ زایایی
۲۵	۲-۷-۲-۲ واژه گردانی
۲۶	۳-۷-۲-۲ شفافیت و تیرگی
۲۶	۴-۷-۲-۲ ممانعت از ساخت (blocking)
۲۷	۳-۲ اصطلاح شناسی
۲۷	۱-۳-۲ اصطلاح شناسی چیست؟
۲۷	۲-۳-۲ چرا اصطلاحات اهمیت دارد؟
۲۹	۳-۳-۲ فعالیت های مشخص کار اصطلاح شناسی
۳۰	۴-۳-۲ دید گاههای گوناگون در مورد اصطلاح شناسی
۳۷	۵-۳-۲ دورنمای تاریخی اصطلاح شناسی از افلاطون تا قرن بیستم میلادی در خارج از ایران
۴۰	۶-۳-۲ مروری بر تاریخچه اصطلاحات و وضع لغات از دیر باز تا قرن بیستم میلادی در ایران
۴۱	۷-۳-۲ ووستر و اصطلاح شناسی علمی قرن بیستم

۴۳	۸-۳-۲ فرهنگستان اول ، دوم و امتداد فعالیتها تا فرهنگستان زبان و ادب فارسی
۴۵	۳ تاریخ مباحث واژه سازی و مبانی نظری پژوهش
۴۶	۱-۳ تاریخ مباحث واژه سازی
۴۸	۱-۱-۳ تاریخ مطالعات واژه ساختی در زبان شناسی همگانی
۵۲	۲-۳ مبانی نظری
۵۲	۱-۲-۳ مفاهیم بنیادین ساختواژه
۵۲	۱-۱-۲-۳ ساختواژه (صرف) (morphology)
۵۴	۲-۱-۲-۳ صورت کلمه، واژه قاموسی
۵۵	۳-۱-۲-۳ واژه
۵۵	۱-۳-۱-۲-۳ انواع واژه از نظام ساختمان
۵۶	۴-۱-۲-۳ تکواژ
۵۶	۱-۴-۱-۲-۳ تکواژ آزاد
۵۶	۲-۴-۱-۲-۳ تکواژ وابسته
۵۷	۱-۲-۴-۱-۲-۳ وند (affix) و پایه (base)
۵۷	۱-۱-۲-۴-۱-۲-۳ وند های تصریفی (inflectional affix) و اشتقاقی (derivational affix)
۵۸	۵-۱-۲-۳ ریشه
۵۸	۶-۱-۲-۳ ستاک
۵۸	۷-۱-۲-۳ واژه بست (clitic)
۵۹	۸-۱-۲-۳ ادات
۵۹	۹-۱-۲-۳ فرایندهای واژه سازی
۶۵	۴ فرایندها و الگوهای واژه سازی واژگان تخصصی شیمی
۶۶	۱-۴ اشتقاق
۶۷	۲-۴ ترکیب - اشتقاق
۶۹	۳-۴ ترکیب
۷۰	۴-۴ وام گیری
۷۶	۵-۴ ابداع
۷۷	۲-۴ ارائه الگوهای ساختی واژگان تخصصی شیمی
۷۷	۱-۲-۴ الگوی ۱
۹۵	۲-۲-۴ الگوی ۲
۱۱۱	۳-۲-۴ الگوی ۳
۱۲۰	۴-۲-۴ الگوی ۴
۱۲۱	۵-۲-۴ الگوی ۵
۱۲۲	۶-۲-۴ الگوی ۶
۱۲۳	۷-۲-۴ الگوی ۷
۱۲۴	۸-۲-۴ الگوی ۸
۱۲۶	۹-۲-۴ الگوی ۹

۱۲۸	۱۰-۲-۴ الگوی
۱۲۹	۱۱-۲-۴ الگوی
۱۳۰	۱۲-۲-۴ الگوی
۱۳۱	۱۳-۲-۴ الگوی
۱۳۲	۱۴-۲-۴ الگوی
۱۳۳	۱۵-۲-۴ الگوی
۱۳۴	۱۶-۲-۴ الگوی
۱۳۵	۱۷-۲-۴ الگوی
۱۳۶	۱۸-۲-۴ الگوی
۱۳۷	۱۹-۲-۴ الگوی
۱۳۸	۳-۴ فرایندهای رایج در ترکیبات و عبارات واژگانی
۱۷۳	۵ نتیجه گیری
۱۷۴	۵-۱ مقدمه
۱۷۴	۵-۲ جمع بندی الگوهای ساختی و واژه های مربوط به هرالگو
۱۷۶	۵-۳ جمع بندی فرایندهای واژه سازی دخیل در ساخت واژه ها
۱۷۷	۵-۴ نمودار تعیین فرایندهای واژه سازی واژگان
۱۷۹	۵-۵ نمودار تعیین الگوهای ساختی واژگان
۱۸۱	کتابنامه فارسی
۱۸۴	منابع انگلیسی
۱۸۵	abstract

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

آنان که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر
آنان که راستی قامت در شکستگی قامتشان تجلی یافت.
عزیزانی که سعادت و سرفرازی امروزم را مدیون سال های رنج و زحمت بی دریغشان هستم

و

تقدیم به روح خواهر بزرگوارم

مهربان وجودی که نسیم محبتش را همیشه در اعماق وجودم احساس می کنم و روحش همیشه یار و همراه من
خواهد بود..

تقدیم به تنها یادگار خواهر مهربانم آيسان

و

تقدیم به برادران مهربانم حسین و علی که همیشه همراه و پشتیبان من بوده اند.

ز

سپاسگزاری

من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق

وظیفه خود می دانم که از زحمات اساتید محترم گروه زبان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، کمال تشکر نمایم.

همچنین از زحمات جناب آقای دکتر بهروز محمودی بختیاری، استاد راهنمای من در این پایان نامه، و جناب آقای دکتر پاکزاد یوسفیان، استاد مشاور من در این پایان نامه، کمال تشکر را می نمایم. بی شک، بدون راهنمایی این دو عزیز، انجام این پژوهش مقدور نبود.

از آنجائیکه حمایت‌های فکری و معنوی نزدیکان و دوستان همواره یاریگر اینجانب بوده است، بجاست یادی کنم از مرحوم خواهرم که راهنمایی‌های وی همواره شوق خواندن را در وجودم شعله ور می نمود. همچنین از زحمات و فداکاری‌های پدر، مادر و برادرانم که طی راه را برای من هموار ساختند و همیشه در این راه یار و یاور من بودند کمال تشکر را دارم. در نهایت نیز از خانمها فهیمه زارعیان، بتول مکی آبادی، مهکامه وزیری، مهری اکرامی، سرور باقری، مریم سعیدی فر، سمیه محتشم، ملیحه صالحی، لیلا گل محمدی به خاطر حمایت های فکری بی شائبه و نظرات سازنده شان بی نهایت سپاسگزارم.

در پایان از زحمات تمامی کسانی که من را در انجام این پژوهش یاری کردند، به خصوص خانواده عزیزم تشکر می کنم.

چکیده

پایان نامه حاضر در صدد است انگاره ای (مدلی) برای واژه سازی در زبان فارسی ارائه دهد و واژگان تخصصی و اصطلاحات علوم پایه را که در اینجا فقط شیمی مورد نظر ماست مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و الگوهای ساخت و فرایندهای واژه سازی رایج در این حوزه را بررسی نماید. واژه سازی بخشی است از نظام زبان که به همراه واج شناسی، نحو و معنی شناسی مجموعاً نظام دستوری زبان را می سازند. این پایان نامه به بررسی واژگان تخصصی علم شیمی می پردازد، یعنی از دیدگاه زبان شناسی به مطالعه ساخت درونی واژه ها و آرایش تکواژها (تکواژ را کوچکترین واحد معنی دار یا نقش دار زبان تعریف کرده اند که در پایگان واحدهای دستوری زبان در ساختمان واژه به کار می رود، تکواژ خود به دو نوع آزاد و وابسته تقسیم می شود. تکواژ آزاد می تواند به تنهایی و به طور مستقل کاربرد داشته باشد که در این صورت یک واژه بسیط به شمار می رود مانند صورت های بسیط «لوله»، «پدیده»، «تناوب». درحالی که تکواژ وابسته به تنهایی و به طور مستقل کاربرد ندارد و به تکواژ های دیگر می پیوندد (کلباسی، ۱۳۸، ص ۲۲) مانند وا، نا، بر، در واماندن، ناممکن و برگشت) در واژگان این رشته علمی توجه دارد. از این رو، در صدد است با توجه به مشکلات موجود در برابریابی زبان فارسی، ضمن معرفی امکانات و قابلیت های بالقوه واژه سازی در این زبان، واژگان تخصصی این رشته علمی را جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا علاوه بر رده بندی ساختوازی آنها، متخصصان علم شیمی را نیز با امکانات و قابلیت های واژه سازی آشنا نماید؛ زیرا، متخصصان هر رشته علمی اولین گروهی هستند که با واژه های علمی بیگانه آشنا می شوند و بنابراین در رواج آن در زبان بومی کمک می کند. به این منظور واژگان تخصصی شیمی از فرهنگ های دو زبانه تخصصی، کتاب های آموزشی، پژوهشی و واژه های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی شناسایی و جمع آوری شدند. به این ترتیب اصطلاح از ۳ فرهنگ بوده است. سپس واژه های بدست آمده از دیدگاه واژه حاصل کار جمع آوری ۲۷۳۶ واژه و شناسی ساختگرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند؛ یعنی ابتدا با تقطیع واژه ها و اصطلاحات به تکواژهایش، الگوهای ساختی آنها به دست آمدند، سپس به تعیین فرایندهای واژه سازی دخیل در ساخت آنها پرداخته شد. بنابراین تعداد ۱۹ الگوی ساختی برای واژگان به دست آمد. همچنین فرایندهای واژه سازی فعال و زایا در ساخت واژگان فرایندهای ترکیب - اشتقاق، ترکیب و اشتقاق و فرایندهای نیمه فعال شامل فرایند های وام گیری، ابداع، ترجمه قرضی، تعبیر قرضی، تخصیص و تحدید معنایی می باشد.

پیشگفتار

گفتیم این پژوهش، پژوهشی در حوزه زبان شناسی است. حال منظور از زبان شناسی چیست؟ دانشی که به بررسی زبان به صورت علمی می پردازد « زبان شناسی» نامیده می شود؛ اما این تعریف خود نیاز به توضیح دارد. چه بررسی ها و مطالعاتی می تواند علمی محسوب شود؟

اگر یک بررسی، ویژگیهایی از قبیل: به کارگرفتن روشی دقیق و منظم، مشاهده عینی رویدادها، در نظر گرفتن یک فرضیه و آزمون آن از راه تجربه و طرح یک نظریه جامع را در خود داشته باشد؛ می توان آن بررسی را علمی تلقی نمود (عاصی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴)؛ در غیر این صورت، اگر مطالعه ای با رویکردی غیر عینی به همراه پیش انگریهایی از گذشته صورت پذیرد نمی توان آنرا علمی دانست.

برای مطالعه بیشتر درباره چیستی زبان شناسی به (رک باطنی، ۱۳۷۳، صص ۲۳-۹) مراجعه نمایید.

اصطلاح شناسی علم بررسی، گرد آوری و تدوین اصطلاحات تخصصی است که در فصل دوم این پایان نامه به طور مفصل شرح داده خواهد شد.

در این پایان نامه به تحلیل واژه های تخصصی علم شیمی بر اساس فرضیه های زیر پرداخته می شود:

۱- واژگان تخصصی علم را می توان به لحاظ واژه سازی رده بندی نمود و فرایندهای واژه سازی مشخصی را تعیین کرد.

۲- ساخت واژگان در این حوزه از نظر زبان شناسی قابل بررسی است و یافتن روشهای علمی و زایا برای واژه گزینی امکان پذیر است.

فصل ۱

درآمدی بر پژوهش

۱- درآمدی بر پژوهش

۱-۱ بیان مسأله (فرضیه های تحقیق)

واژگان تخصصی علم شیمی را به لحاظ ساختواژی چگونه می‌توان رده بندی نمود؟ آیا فرایند های واژه سازی مشخصی در این رشته علمی وجود دارد یا خیر؟ و الگوهای ساختی رایج در واژگان این حوزه علمی کدامند؟

۱-۲ لزوم انجام پژوهش

زبان فارسی کنونی برای برآوردن نیازهای روزمره مردم با مشکل جدی روبرو نیست؛ ولی برای ایجاد ارتباطات علمی در دنیای امروز از کاستیهایی رنج می‌برد که یکی از آنها، مشکل برابریابی برای سیل واژه های علمی بیگانه می باشد. از اینرو، برای برطرف کردن مشکل برابریابی، نیاز به آشنایی کارشناسان و مترجمین هر رشته علمی، با مسائل واژه سازی و واژه گزینی می باشد و تنها می‌توان با گروههای واژه گزینی مشغول در فرهنگستان این مشکل را مرتفع ساخت؛ زیرا همانطور که در بالا مطرح شد؛ اولین گروهی که با نو واژه های علمی بیگانه آشنا می‌شوند کارشناسان همان رشته علمی می باشند و تا برابریابی فارسی در فرهنگستان تصویب شوند، واژه بیگانه عمومیت پیدا کرده و جایگزین کردن واژه مصوب فرهنگستان بسیار سخت و حتی گاهی غیرممکن می‌شود. بنابراین فرایندهای واژه سازی و تجزیه و تحلیل واژه های تخصصی شیمی راه را برای بدست آوردن سیستمی زایا برای واژه سازی در این حوزه باز می‌کند و از آنجا که شناخت جامع و کامل هیچ علمی حاصل نمی‌شود مگر آنگاه که شخصی به دستگاه اصطلاح شناسی آن علم احاطه پیدا کند و از گزاره ها و احکام آن علم درکی عمیق و همه جانبه بدست آورد و ساختار متنی آثار مکتوب آن علم را به درستی دریابد، به حوزه اصطلاح شناسی نیز وارد می‌شویم.

۳-۱ روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان نامه بیشتر به صورت کتابخانه ای و گاهی هم به صورت میدانی بوده است، بدین صورت که برای گردآوری واژگان تخصصی شیمی از فرهنگهای دو زبانه شیمی و گاهی از کتابهای آموزشی - پژوهشی در این حوزه کمک گرفته شده و در روش میدانی برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد بعضی از واژگان به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای شیمی مراجعه شده است.

۴-۱ مراحل تحقیق

ابتدا واژگان تخصصی از فرهنگهای دو زبانه و منابع دیگری که در این رشته علمی وجود داشت گردآوری شدند. سپس واژه ها و اطلاعات مربوط به نوع تکواژها، مقوله و الگوی ساختی آنها در درون فیشهایی به طور جداگانه نوشته شدند، به صورت زیر:

واژه فارسی	معادل انگلیسی
الگوی ساختی:	
۱. تقطیع به تکواژها:	
۲. نوع تکواژها:	
۳. مقوله نهایی	

به این ترتیب، پس از جمع آوری واژه ها و تهیه فیشها به تحلیل و بررسی اطلاعات بدست آمده پرداخته شد. الگوی ساختی واژه ها مشخص شدند و براساس هر الگوی ساختی، واژه هایی که الگوی ساختی مشابه داشتند انتخاب شدند و جداگانه نوشته شدند و سپس فرایند های واژه سازی که برای هر واژه به کار گرفته شده بود مشخص شدند و سپس واژه هایی که فرایند واژه سازی مشابه داشتند انتخاب شدند و جداگانه نوشته شدند و آنگاه به تجزیه و تحلیل نهایی واژگان و طبقه بندی آنها به لحاظ الگوی ساختی و فرایند واژه سازی پرداخته شد.

در گزینش واژگان در این پژوهش، واژگان کاملاً تصادفی انتخاب شد و سعی شد از واژه هایی که کاربرد بیشتری دارند بیشتر استفاده شود تا فرایند واژه سازی به کار گرفته شده بهتر قابل تجزیه و تحلیل باشد.

۱-۵ پیشینه تحقیق

تا آنجا که من اطلاع دارم در زمینه شیمی و سایر علوم مثل شیمی که کاربرد واژه های آنها با زندگی روزمره ما تقریباً عجیب شده اند، چنین بررسی منسجم و تحلیل ساختوازی دقیقی صورت نگرفته بود. البته در زمینه واژگان و اصطلاحات و نحوه انتخاب واژه مناسب برای خیل عظیم لغات تازه وارد مطالب زیاد بود که عملاً این دستورالعملها در مورد واژگان شیمی بررسی شد و مطالب در مورد واژگان انتخابی شیمی به کار گرفته شد و کارایی آن راهکارها مشخص شدند. به اعتقاد نگارنده پژوهشهای مشابه در زمینه سایر علوم نیز بسیار به حل این مساله کمک می کند که البته خاطرنشان کنم تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد در زمینه صنایع دستی، امداد و علوم مربوط به جنگل نیز پژوهشهای مشابهی انجام گرفته است.

فصل ۲

واژه سازی و اصطلاح شناسی

۲ واژه سازی و اصطلاح شناسی

۲-۱ مقدمه

از آنجا که تحقیق حاضر، در زمینه واژه سازی و واژه گزینی و اصطلاح شناسی در حوزه علم شیمی می باشد در این فصل به تعریفی از این مهم پرداخته می شود و از منشأ پیدایش اصطلاح شناسی و مراحل تکوین آن سخن به میان می آید و همچنین معیارهای واژه گزینی مشخص می گردند و مورد بررسی قرار می گیرند تا مقدمه ای برای فصلهای بعدی این پایان نامه باشند. با توجه به سیل ورود واژه های بیگانه در علوم مختلف از جمله در علم شیمی و گسترش روز افزون اشاعه و پخش برابره های فارسی برای این واژه ها در میان کارشناسان و پژوهشگران آن رشته علمی، نیاز ما به داشتن اطلاعات در این زمینه ها روز به روز بیشتر می شود و نیاز به واژه سازی به شدت احساس می شود.

از آنجا که مفهوم واژه دارای تعریفی نیست که در مورد همه زبان ها صدق کند و ویژگی های مصادیق این مفهوم در زبان های مختلف با یکدیگر متفاوت است، وجود قواعدی که بتوانند ساخت کلمات را در همه زبانها، به طور عام، توضیح دهند ممکن نیست. به عبارت دیگر دشوار است بتوان از قواعد «جهانی» ساخت واژه صحبت کرد، زیرا وجود این قواعد بستگی به تعریف ما از واژه دارد، و تعریف واژه در هر زبان متفاوت است (بائر^۱: ۱۹۸۳). با این همه ممکن است بتوان از روند ها و فرایندهای مشابه در واژه سازی زبان های مختلف سخن گفت به ویژه هنگامی که میان این زبان ها خویشاوندی وجود داشته باشد. بدین ترتیب هیچ نظریه واژه ساختی منسجم و یگانه ای نمی تواند پدید آید و حتی بر سر نوع داده هایی که به کار ساختن چنین نظریه ای می آید توافقی نیز حاصل نمی شود. بر این اساس این رساله هیچ نظریه خاصی را مبنای تحلیل های خود قرار نمی دهد و صرفاً مقدمه بخشی است در باب برخی مسائل و خطوط کلی واژه سازی فارسی، در چهارچوب عمومی زبان شناسی ساخت گرا و دستاوردهای عمده ای که در مباحث واژه سازی در بیست ساله اخیر حاصل شده است. ما در این جا به آن نوع کاری نظر داشته ایم که بائر در کتاب واژه سازی در انگلیس (۱۹۸۳) انجام داده است: مبنای برخورد با زبان هم زمانی و زایشی است، واژه: واحد اصلی مطالعات واژه ساختی تلقی شده است که بر طبق قواعدی معین تولید یا ادراک می شود، و ملاحظات در زمانی نیز به خصوص در نحوه شکل گیری قواعد به وفور به آن راه یافته است.

۲-۲ واژه سازی

۱-۲-۲ ضرورت واژه گزینی

دست یابی به یک واژگان غنی علمی مغنی به زبان مادری نه تنها درک مطالب پیچیده و تفهیم و تفاهم در زمینه های نظری و عملی را آسان تر و عمیق تر می کند، بلکه علاوه بر این، عامل مهمی در پاسداری از فرهنگ ملی است که در تحلیل نهایی به نقش بسترگی که فرهنگ، دانش و هنر ما می تواند در فرهنگ جهانی ایفا کند یاری می رساند، به خصوص که ساختار زبانی و ابزارهای واژه سازی و گسترش واژه ها قابلیت تبدیل شدن به زبان علم و فن را به زبان فارسی می بخشد.

برای جلوگیری از هجوم بی امان کلمات بیگانه دلایل بسیاری می توان برشمرد که هر کدام ارزش خاص خود را داراست. به اعتقاد طباطبایی (۱۳۷۶، ص ۳۵)، اگر ما بخواهیم از دیدگاهی زبانشناختی به مسئله بنگریم باید بگوییم زبان وسیله ایجاد ارتباط است، از همین رو، در زبان تعداد معدودی واج وجود دارد که بر اساس قواعد واجی درهم می آمیزند و تکواژها را می سازند و تکواژها نیز بر اساس قواعد ساختواژی واژه ها را پدید می آورند، و واژه ها نیز بر اساس قواعد نحوی با هم ترکیب می شوند و بی نهایت جمله پدید می آورند. در روند فراگیری زبان، فراگرفتن واجها چندان دشوار نیست و تقریباً همه کودکان تا سن ۵ سالگی تمامی واجهای زبان خود را فرا می گیرند. اما در مورد واژه ها وضع به کلی متفاوت است، زیرا تعداد واژه های هر زبان بسیار زیاد است و یادگیری هر واژه تازه باری است بر دوش ذهن. از همین رو، در زبان دستگاهی وجود دارد که این فراگیری را تا حد ممکن تسهیل می کند. همان طور که گفتیم تعداد تکواژها بسیار کمتر از واژه ها است. سخنور هر زبان کافی است تکواژها و قوانین ترکیب آنها را بداند تا بتواند واژه های جدید بسازد و معنای واژه های تازه را دریابد از همین روست که برای مثال درک معنا و یادگیری واژه هایی مانند «کالبد شکافی»، «روان شناسی» برای فارسی زبانان بسیار سهلتر از یادگیری کلمات آناتومی و پسیکولوژی است. زیرا واژه های گروه اول واژه هایی شفاف اند که بر اساس قواعد ساختواژی فارسی ساخته شده اند، اما کلمات گروه دوم تیره اند. چنانچه از سخنان بالا برمی آید اگر وام گیری در ابعادی گسترده صورت پذیرد از دو سو به زبان لطمه وارد می آید. یکی اینکه بار حافظه سخنوران را سنگین می کند؛ و دیگر اینکه بسیاری از فرایندهای واژه سازی را بلا استفاده می سازد و دستگاه ساختواژی را از پویایی و زایندهگی محروم میکند. دستگاه ساختواژی هر چه کمتر به کار گرفته شود توانش کاستی می گیرد و این امر وام گیری بیشتر را اجتناب ناپذیر می کند. این دور تسلسل

همچنان ادامه می‌یابد تا آنکه این دستگاه در زمینهٔ واژه‌سازی بخش مهمی از کار آیی خود را از دست می‌دهد و ارتباط در سطوح علمی از طریق زبان فارسی بسیار دشوار می‌شود. به این ترتیب می‌بینیم که واژه‌سازی علمی نه تنها به علل زیبایی شناختی و میهن دوستی کاری لازم و موجه است، بلکه از دیدگاه زبان‌شناختی محض نیز ضرورت تام دارد.

مسئله واژه‌سازی اغلب در سطح جامعه واکنش منفی در پی داشته است. از سویی نیز به نظر می‌رسد نمی‌توان علم را از زبان علم که در واقع در دامن آن رشد و نمو می‌کند و ابزار بیان آن است جدا کرد. به این اعتبار که، آنچه یک حوزه علمی را شکل می‌دهد مفاهیم و اصطلاحاتی هستند که بر این مفاهیم اطلاق می‌شوند و هرگونه انتقال اطلاعات نیز به وسیله همین زبان صورت می‌پذیرد.

شاید برخی ناکامیهای فرهنگستانهای ایران در ارائه معادلها باعث گردیده تا نگاه جامعه نسبت به واژه‌سازی، حتی در سطوح دانشگاهی هم، نگاهی غیر جدی باشد. شاید علت دیگر این است که کمتر در اهمیت آن تأمل شده است. معضل اصلی نداشتن بینش روشن و دیدگاه علمی درباره چرایی مسئله و کمتر پرداختن به دلایل محکم درباره ضرورت‌های آن است. آنگاه که جامعه علمی ما به اهمیت موضوع وقوف کامل یابد، چه بسا انگیزه‌ای شود برای یافتن شیوه‌های نوین واژه‌سازی که همگام با دستاوردهای دنیای مبتنی بر تولید اطلاعات به پیش رود. اما، مادامی که این آگاهی حاصل نشود، کار واژه‌سازی و در نهایت زبان علم به سامان نخواهد رسید.

بدیهی است که توسعه علمی تنها در گروهی زبان علم نیست، بلکه شرایط بسیاری در ظهور یا افول آن نقش دارند، از جمله: شرایط جغرافیایی، رفاه اجتماعی، رونق اقتصادی، نوع حکومت، آزادی بیان و اندیشه امنیت اجتماعی و ملی، علم جویی و خردگرایی، بودجه و امکانات پژوهشی، ورود علم به جامعه و غیره. همه عوامل و شرایط باید با رشدی موزون و به تناسب در کنار هم قرار گیرند.

۲-۲-۲ واژه‌سازی و واژه‌گزینی

کار واژه‌سازی مبتنی بر علم واژه‌شناسی است. اطلاق علم بر مطالعات واژه‌شناسی در سالهای اخیر مرسوم شده است اما اولین تحقیقات در این زمینه به سالهای اولیه بعد از جنگ جهانی اول بر می‌گردد. قبل از آن، در قرنهای هجده و نوزده، عمدتاً شیمیدانها و زمین‌شناسها به دلایل گوناگون، مطالبی در زمینه روشهای اطلاق واژه‌ها بر مفاهیم و نیز تأثیر واژه‌ها بر نظریه‌های علمی منتشر کرده‌اند. (نک: منصور، ۱۳۷۶).

واژه سازی روندی است که طی آن برای مفاهیمی که به تازگی وارد فرهنگ بشری می شوند، واژه ها و اصطلاحات جدیدی در یک زبان معین ساخته می شود و در بلند مدت، به واژگان آن زبان افزوده می گردد (مدرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۵).

واژه گزینی اگرچه اکثراً با « واژه سازی » یا « معادل سازی » برابر می دانند ولی واقعیت امر چنین نیست (طیب، ۱۳۸۴، ص ۴۵۷). واژه سازی یکی از راهکارهای متعدد واژه گزینی است.

واژه گزینی به معنی تأمین و طرح واژه مورد نیاز هم تعریف شده است. هرگاه زبانمند احساس کند که برای نامگذاری و یا اشاره به شیء، پدیده، کنش و یا روشی تازه و جز آن نیاز به واژه ای دارد، درصدد یافتن و در واقع تأمین آن واژه برمی آید و این کار را معمولاً به طور ناخودآگاه، و با بهره جویی از توانش زبانی خود انجام می دهد.

باطنی (۱۳۴۹) زیر عنوان « پدیده های قرضی » مواردی از واژه گزینی را نام می برد که تحت تأثیر یک زبان خارجی انجام می گیرد این موارد عبارتند از :

واژه قرضی^۱، تغییر قرضی^۲، ترجمه قرضی^۳، تعبیر قرضی^۴، تعبیر و ترجمه قرضی، آمیزش قرضی^۵، تبادلی قرضی^۶، البته دکتر باطنی نوع هشتم قرض گیری را نیز ذکر کرده ولی برای آن عنوانی انتخاب نکرده است (۱۳۴۹، ص ۷۹-۸۸). موردی که طیب اصطلاح « رمز واژه » را برای آن پیشنهاد می کند، مانند « هما » برای هواپیمایی ملی ایران.

البته موارد ذکر شده منحصر به راهکارهای متأثر از زبانهای خارجی در فرایند واژه گزینی است ولی بنیان واژه گزینی در هر زبان واژه سازی « خودی » است که در چهارچوب الزامات و محدودیتهای^۷ خود زبان به وجود می آید و مطلقاً تحت تأثیر هیچ زبان خارجی نیست. یک نمونه آن واژه « لوبیا پلو » است که عمر آن از چند دهه فراتر نمی رود، چرا که مدلول آن یک عنصر وارداتی نیست. اما نکته جالب آنکه همیشه واژه گزینی برای پدیده های وارداتی لازم نیست که متأثر از زبان جامعه مبدأ باشد و در یکی از طبقات پیشنهادی دکتر باطنی قرارگیرد. گویندگان عادی حتی در این موارد نیز از توانش زبانی خود بهره می جویند و بدون تأثیر پذیری از

¹ Loan word

² Loan shift

³ Loan translation

⁴ Loan rendition

⁵ Loan blending

⁶ Loan exchange

⁷ Restrictions